

• شما از یک پروژه سیاسی سخن گفتید. ما در یکی دو هفته اخیر شاهد بودیم که روزنامه‌های جناح محافظه‌کار بر روی دو فرد زوم کردند - آقایان گنجی و حکیمی‌پور - و در نهایت هر دوی آنها از سوی دستگاه قضایی احضار شدند، در حالی که مطبوعات دوم خرداد دو سال است که خواستار محاکمه و حتی احضار فلاحیان هستند، اما این مسأله اتفاق نیفتاده است. آیا نمی‌توان گفت که نظر این مطبوعات نظر حاکمیت است؟

□ البته آنها بیانگر نظر بخشی از حاکمیت هستند. مطبوعات جبهه اقتدارگر خط‌دهنده نیستند، بلکه خطی در جایی تصویب شده و این مطبوعات تنها آن را بیان می‌کنند. در واقع، فرق دوم خرداد با اقتدارگرایان در این است که تنها ابزار جبهه دوم خرداد، مطبوعات است. اما آنها ابزارهای قدرت را در اختیار دارند و از مطبوعات برای پیشبرد اهداف سیاسی خود سود می‌جویند. این برخوردها هم نشان‌دهنده قدرت آن مطبوعات نیست. چون ما می‌دانیم کل تیراژ روزنامه‌های جناح مقابل به اندازه یکی از روزنامه‌های جبهه دوم خرداد نیست. علت آن است که تصمیماتی در جایی - که این روزها به آن «مافیای قدرت» گفته می‌شود - گرفته شده و اینها به عنوان بازوهای رسانه‌ای مافیای قدرت عمل می‌کنند.

• در این وضعیت، سرنوشت نبرد مطبوعات دوم خرداد با مافیای قدرت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ من ناامید نیستم. ما در کوتاه‌مدت یقیناً با فشارهایی بر مطبوعات مواجه خواهیم بود. ولی تحولات ایران ریشه‌ای‌تر از آن است که کسی بتواند جلوی آن را بگیرد.

• شما چطور امیدوار هستید، وقتی که ابزار جبهه دوم خرداد فقط «افکار عمومی غیر منسجم» است؛ اما ابزار جناح اقتدارگرا یک «قدرت منسجم»؟

□ جناح اقتدارگرا، البته منسجم نیست. یک گروه اقلیت و بخش «ماجراجو»ی آن منسجم است. و الا در مجموع، جناح اقتدارگرا نقاط تفرقه‌انگیز زیادی دارد که فعلاً بروز نمی‌کند. چرا که هنوز در معرض آزمونی قرار نگرفته‌اند. آنها فعلاً دشمن مشترکی دارند و آن هم، اصلاح‌طلبان و جنبش جامعه مدنی است.

• آنها همین الآن هم منسجم نیستند؟

۱: یعنی بخش اصلی جناح اقتدارگرا در حال حاضر، در بخش ماجراجو «سکوت» کرده است. ولی اگر این ماجراجوییه‌ها حادث‌تر شود و دعوای سیاسی زیادتر شود، یقیناً بخشهایی از جناح راست با آنها مقابله می‌کند. ببینید، اینها یک بخش «ماجراجو» دارند که علاقه‌مند است فضای ایران را نظامی و خشن کند، اما بخشهایی از جناح راست را هم داریم که ریشه اجتماعی دارند و از به هم ریختن اوضاع راضی نیستند. اینها فعلاً سکوت کرده‌اند...

• یک نمونه از این گروهی که سکوت کرده را نام ببرید.

۲: بخش وسیعی از جناح راست، تیپهایی که در جناح راست مشهورند، در این داستان خیلی خودشان را درگیر نکردند. اینها بخشهایی هستند که ریشه و سابقه اجتماعی دارند...

• مثلاً؟

۳: اسم شخصی؟ اسمشان را می‌خواهید؟

• بله، به طور مثال، من با حرفهای شما، آقای مهدوی کنی به ذهنم آمد.

۴: ممکن است. آقای مهدوی کنی - و حتی - آقای باهنر...

• پس دلیل حمایت آقای باهنر از فیلم صدا و سیما چه بود؟

۵: نه این که آنها رقابت سیاسی را نمی‌خواهند، آنها نمی‌خواهند رقابت را تا جایی پیش ببرند که اوضاع ایران به هم ریزد، و الا آنها هم در رقابت سیاسی، جناح راستند و می‌خواهند این طرف را بزنند. آنها هم ناراضی نیستند که ضربه‌ای از طرف صدا و سیما به اصلاح‌طلبان خورده است. صحبت من در مورد جاهایی است که ماجراجویان می‌خواهند فضای ایران را به سمت کودتا و نظامی شدن پیش ببرند.

• بنابراین در حال حاضر دو طیف با نظامی شدن فضای ایران مخالفند. یکی، اصلاح‌طلبان و دیگری عقلای جناح راست. به نظر شما امکان همکاری این دو گروه علیه طیف ماجراجو وجود دارد؟

۶: بله، ممکن است و خیلی خوب است که این اقدام انجام شود. یعنی ما باید این شجاعت را به خرج دهیم و بگوییم سیاست فقط «مبارزه» نیست، بلکه شامل گفت‌وگو و کنار آمدن و سازش هم می‌شود. هیچ ایرادی وجود ندارد که اصلاح‌طلبان با بخش ریشه‌دار و عاقل جناح راست گفت‌وگو بکنند و در واقع

گروههای ماجراجویی را که می‌خواهند فضای ایران را به هم بزنند، منزوی کنند. این کاری است که احزاب و سازمانهای سیاسی جبهه دوم خرداد باید انجام دهند.

● سؤال آخرم، یک سؤال ژورنالیستی است. آیا اگر همین الآن به کنفرانسی شبیه کنفرانس برلین دعوت شوید، به آنجا می‌روید؟
□ بله، حتماً شرکت می‌کنم.

اصل برگزاری کنفرانس برلین مفید بود^۱

علیرضا علوی تبار با انتشار مطلبی اصل برگزاری کنفرانس برلین را برای نظام جمهوری اسلامی مفید ارزیابی کرد.

وی گفت: اینجانب برگزاری چنین نشستی را کاملاً مثبت ارزیابی می‌کنم، به دلیل آن‌که نخست تنوع دیدگاهها و جهت‌گیریهای ایرانیان شرکت‌کننده در کنفرانس به‌جهانیان ثابت می‌کرد که برخلاف تبلیغاتی که بویژه از جانب اسرائیلیها می‌شود، ایران در حد قابل قبولی از آزادی و تکثر برخوردار است. دیگر آن‌که مدتهاست جمهوری اسلامی به‌جهانیان اعلام می‌کند که خشونت و عدم تحمل در سالهای پس از انقلاب از جانب حاکمیت انقلابی آغاز نشده است.

برخورد گروههای برانداز کنفرانس برلین حداقل در آلمان نشان داد که دشمنان جمهوری اسلامی، گروههای مسالمت‌جو و متساهل نیستند.

همچنین آلمانها در این کنفرانس دریافتند که جریانها علی‌رغم اختلاف نظرها، در محورهایی همچون یکپارچگی و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، نفی خشونت و قهر و ضرورت نظم و سامان سیاسی در کشور و وحدت نظر دارند. نکته دیگر آنکه اگر از اقلیت برانداز بگذریم، مخالفین خارج از کشور همگی همسوئی و همراهی خود را با روشهای مسالمت‌آمیز و قانونی اعلام می‌داشتند.

کم و بیش مباحث مطرح‌شده از جانب اصلاح‌طلبان دوم‌خردادی تا حدودی انعکاس بحثهایی بود که در ایران امروز در جریان است. در نگاه جدید، ایران کشوری بود پویا که در درون آن تازه‌ترین مباحث فلسفه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی را می‌توان مشاهده کرد و این درست در مقابل تصورات رسانه‌های غربی بود.

دادگاه انقلاب از جمیله کدیور و علوی تبار توضیح خواست^۱

دادگاه انقلاب، دیروز جمیله کدیور و علیرضا علوی تبار، دو نفر دیگر از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین را احضار کرد و از آنها درباره این کنفرانس و علت حضورشان در آن توضیحاتی خواست.

علیرضا علوی تبار، در بازجویی دیروز، به سؤالات قاضی پرونده پاسخ داد و پس از تفهیم اتهام با ارائه ۱۰ میلیون تومان وثیقه آزاد شد. در همین حال، تحقیقات دادگاه در مورد جمیله کدیور کامل نشد و او قرار است فردا (چهارشنبه) بار دیگر برای تکمیل تحقیقات به دادگاه انقلاب برود.

واکنش اکبر گنجی

اشاره: پس از برگزاری سه روزه کنفرانس برلین و مشکلات به وجود آمده در کنفرانس، اولین بار روزنامه کیهان متن مصاحبه اکبر گنجی را در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۴ چاپ کرده، چاپ این موضوع و دامن زدن روزنامه کیهان به متن مصاحبه، واکنشهای متفاوتی را ایجاد کرد. گنجی به صورت تلفنی اولین بار واکنش خود را نسبت به تیر کیهان از آلمان اعلام کرد. متن مصاحبه در پیوست مربوط به مطبوعات، در قسمت روزنامه کیهان آمده است.

روزنامه کیهان به دنبال دستاویزی است تا اصلاح طلبان از صحنه حذف شوند^۲

اکبر گنجی گفت: می خواهند برای مطبوعات اصلاح طلب پرونده سازی کنند. وی که در گفت و گویی تلفنی از آلمان با خبرنگار صبح امروز سخن می گفت، با اشاره به کیفیت برگزاری جلسه مصاحبه اش با روزنامه آلمانی یادآور شد:

مصاحبه توسط خبرنگار و یک مترجم صورت گرفت. پس از انتشار مصاحبه، تیر باعث تعجب من و دوستان شد. لذا تعجب خود را با مترجم در میان گذاردم، او نیز از تیر مصاحبه حیرت کرد. پرسیدم: شما بد ترجمه کرده ای؟ گفت: چنین چیزی در صحبت شما نبود که من ترجمه کنم. احتمالاً خبرنگار این اشتباه را مرتکب شده است.

۱. انتخاب، ۱۳۷۹/۲/۱۳، ص ۳.

۲. فتح، ۱۳۷۹/۱/۲۵، ص ۳.

اصل مصاحبه یک بحث نظری در مورد نسبت دین و دموکراسی بود. این بحث نظری به طور طبیعی برای آنها جاذبه نداشت، ولی این تیتراژ من به شدت تکذیب می‌کنم، و دوستان ایرانی در اینجا ترجمه کرده‌اند که در متن مصاحبه هم چنین جمله‌ای وجود ندارد. من به صراحت گفتم ما امام خمینی را آن‌گونه می‌فهمیم که با دموکراسی و آزادی سازگار است و اصلاح‌طلبان از نظرات ایشان استفاده می‌کنند.

البته این جمله در متن منتشر شده وجود دارد، ولی آنچه در مورد موزه و بایگانی حضرت امام آمده کذب محض است. من متن تکذیبیه را برای آن روزنامه ارسال کرده‌ام که طبق قانون موظف به انتشار آن است و در صورت عدم انتشار جای شکایت و پیگرد قانونی وجود دارد.

گنجی در فرازی دیگر از این مصاحبه به کنفرانس برلین اشاره کرد و گفت: من شب اول در مراسم شرکت داشتم. بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر در سالن بودند. در این جمعیت انبوه یک اقلیت چند نفره وجود داشت که ابتدا برای دادن شعار و پرخاشگری آمده بودند تا سمینار را به هم بزنند. آنان از هیچ منطقی پیروی نمی‌کردند. حتی حاضر نبودند پرسشهایشان را مطرح کرده و پاسخ بشنوند. من بخوبی دیدم که خشونت‌طلبان خارج‌نشین و خشونت‌طلبان داخلی دقیقاً در یک راستا گام برمی‌دارند. ولی بحمدالله مراسم شب اول برگزار شد و اکثریت جمعیت حاضر از سخنان اصلاح‌طلبان استقبال کردند. ما نیز در سخنان خود پاسخ آنها را دادیم و گفتیم از یک طرف کسانی در داخل برای نابودی جنبش اصلاحات دست به ترور می‌زنند، از طرف دیگر همفکران و هم‌روشان آنها در خارج با شلیک خمپاره به تأیید اقدامات آنها برمی‌خیزند. اقدامات روزنامه کیهان نیز در طی سالهای گذشته برای همگان شناخته شده است. کیهان می‌توانست چند روز صبر کند و تکذیبیه را بخواند. اما برای آنها حقیقت مهم نیست. مهم آن است که دستاویزی پیدا شود تا به وسیله آن اصلاح‌طلبان از صحنه حذف شوند. اقدام دیروز روزنامه کیهان فضا سازی برای برخورد با شرکت کنندگان در سمینار است. ما در این سمینار از ایران، منافع ملی و حیثیت ایرانیان دفاع کردیم و سعی نمودیم تا چهره‌ای انسانی و دلنشین و عقلایی از ایرانیان و نظامشان به نمایش بگذاریم.

سمینار توسط نمایندگی صدا و سیما نیز به طور کامل ضبط می‌شد. برای روشن

شدن حقیقت می‌توان از صدا و سیما خواست آن را به نمایش بگذارد یا این که به دوستان کیهانی اش بسپارد تا آن را منتشر کنند. تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

بار اصلی جنبش اصلاح طلبی ایران در طول سالهای اخیر بر دوش مطبوعات بوده است. لذا دشمنان این جنبش همیشه بیشترین انتقام را از مطبوعات دوم خرداد می‌گرفته‌اند.

اکنون نیز با بهانه تراشیهای جدید، کیهان نشینان قضای تبلیغاتی فراهم می‌آورند تا دوستانشان امکان برخورد با مطبوعات و روزنامه نگاران اصلاح طلب را داشته باشند.

آنچه باعث نگرانی آنان است، این است که چهره‌های شاخص روزنامه‌های دوم خرداد دفاعی معقول از این جنبش را در این سمینار ارائه کردند و حرفهای آنها از سوی حاضرین بسیار جدی گرفته شد.

جدی بودن راه اصلاحات دو گروه را از دور خارج خواهد کرد: یکی خشونت طلبان داخلی و دیگری براندازان خارجی. لذا همیشه شیوه‌های برخورد یکسان و همزمان این دو گروه با اصلاح طلبان مشاهده می‌شود.

اگر خشونت طلبان خارج نشین پس از کمبود استدلال با غریبان کردن یک زن و مرد و به نمایش گذاردن وقاحت کامل توانستند یک نیمروز سمینار را تعطیل کنند، دوستان داخلی آنها نیز با نشر دروغهای خود در صدد ضربه زدن به همانها هستند.

اینها در طول دهه گذشته همیشه تنها تجربه‌ای که داشته‌اند، تجربه «شکست» بوده است. روشهای اینها اگر در جامعه پاسخ مثبتی می‌یافت، حادثه دوم خرداد پدید نمی‌آمد، که به دنبال آن پیروزیهای دیگر انتخاباتی پدید آید. اقبال مردم در سالهای گذشته به هر کس که کیهان نشینان به او تاختند، نشان می‌دهد که این بار نیز آنها شکست خواهند خورد. اگر کسی به موزه تاریخ پیوسته باشد، مدیریت روزنامه کیهان است، نه امام خمینی، که من همچنان با تمام جان در تمام نوشته‌های خود، خود را و امدار ایشان می‌دانم.

نامه اکبر گنجی به روزنامه آلمانی^۱

در پی درج گفت و گوی اکبر گنجی با نشریه تاگس سایتونگ در روزنامه کیهان، گنجی با فرستادن توضیحی چند نکته اصلاحی را متذکر شده است. در نامه توضیح وی آمده است:

۱. به دلیل عدم آشنایی با زبان آلمانی، مصاحبه از طریق مترجم صورت گرفت. بنابراین احتمال دارد بخشهایی از گفت و گو به وسیله مترجم به دقت ترجمه نشده باشد و یا خبرنگار در تنظیم آن دقت لازم را به خرج نداده باشد. مصاحبه طولانی و شامل بحثهای صرفاً نظری بود که برای خبرنگار روزنامه ممکن است جاذبه نداشته باشد. از این رو بخشهایی از آن توسط خبرنگار گزینش و منتشر گردد.

۲. تیتیر مصاحبه منتشر شده به سخنان من ارتباطی نداشت و من نگفتم «عاقبت [امام] خمینی در موزه است» و «دکتر شریعتی سرمشق امام خمینی بود». نکته ای که من بر آن تأکید نهادم، این بود: «متفکری که به همه دورانها تعلق داشته باشد و با آثارش بتواند به مشکلات و پرسشهای تمام زمانها پاسخ گوید، وجود ندارد. فیلسوفان و اندیشمندان پرسشهای عصر خود را طرح و در صورت امکان بدانها پاسخ می گویند. جنبش اصلاحات ایران بهترین روش برای حل مسائل کشور و پرسشهای زمانه است و اگر فرد یا گروهی یا این جنبش، آرمانها، مطالبات و دیدگاههای آن همراه نگردد، از دور خارج خواهد شد. از سوی دیگر جنبش اصلاحات متکی به قرائت و فهم جدیدی از دین است که با دموکراسی و آزادی و حقوق بشر و پلورالیسم سازگار است. اگر فردی فهم توتالیتار از دین را تبلیغ و ترویج کند، جایش در موزه تاریخ ایدئولوژیهای فلاکت بار است.»

در اینجا خبرنگار درباره امام خمینی سؤال کرد و من در پاسخ گفتم: «هر متنی تفاسیر گوناگون برمی دارد. اصلاح طلبی آثار و افکار امام خمینی را به گونه ای می فهمد و تبلیغ می کند که با دموکراسی و آزادی تعارض نداشته باشد.»

توضیح تاگس اسپیکل در مورد مصاحبه اکبر گنجی^۲

روزنامه تاگس اسپیکل متن مصاحبه خود با اکبر گنجی را اصلاح کرد. این متن که در روز ۲۵ فروردین در این نشریه چاپ شده، به شرح زیر است:

۲. پیشین، ۱۳۷۹/۱/۲۸، ص ۱۲.

۱. صبح امروز، ۱۳۷۹/۱/۲۴، ص ۱۶.

روزنامه تاگس اشپیگل در روز ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۹ در مصاحبه‌ای که با نویسنده ایرانی، اکبر گنجی در مورد اصلاحات در ایران انجام داد، در درج این مصاحبه سوء تفاهمهایی به وجود آمد. آقای گنجی از نویسنده ایرانی (شریعی) به عنوان یکی از «رهبران فکری انقلاب» سخن گفت. ولی نویسندگان روزنامه این عبارت را به رهبر فکری «امام خمینی» تبدیل کردند. با تلخیص سخنان آقای گنجی، تحریریه روزنامه، تیزی با این عبارت ساخت: «خمینی به موزه سپرده خواهد شد». که نقل قول سخن آقای گنجی نبوده و در تیتیر مطلب نیز به عنوان نقل قول مشخص نشده بود. ما بنا به تقاضای آقای گنجی مورد فوق را مسلماً تصحیح می‌کنیم.

سیمای لاریجانی انتقادات ما را نسبت به براندازان خارج نشین سانسور کرد^۱

اشاره: اکبر گنجی یکی از شرکت کنندگان کنفرانس برلین در گفت‌وگو با صبح امروز به تشریح پیامدها و حقایق کنفرانس برلین پرداخت. متن این مصاحبه را می‌خوانید:

• سمینار برلین و پیامدهای آن چه بود؟ و تا چه حدودی با آنچه سیما به نمایش گذارد، سازگار بود.

۱- سمینار برلین طی ۳ روز برگزار شد. قرار بود من در دو نوبت در سمینار حاضر شوم، ولی به علت بیماری فقط در شب اول حاضر و سخنرانی روز سوم ایراد نشد. چون تمام مدت بستری بودم. برگزاری سمینار پیشاپیش از سوی بعضی از گروه‌ها و افراد خارج نشین محکوم شده بود؛ چرا که «رژیم ایران را تحکیم می‌کند». گفته می‌شد، «بودجه آن را دولت ایران یا دولت آلمان» پرداخت کرده است. به ایرانیان خارج نشین امکان سخن گفتن نداده است. تصویری یک طرفه از ایران و دولتش به نمایش می‌گذارد. روابط ایران و آلمان را بهبود می‌بخشد. مبارزات خونبار خلق ایران را نادیده می‌گیرد و... «شب اول علی‌رغم شعارها، جنجال‌آفرینیها و خشونت پراکنیها میزگرد برگزار شد. براندازان یکصد خطاب به من می‌گفتند: «قاتل برو گمشو» و به آقای اشکوری می‌گفتند: «آخوند برو گمشو». آنان در شعارها و

۱. ناگفته‌هایی دیگر از کنفرانس برلین، صبح امروز، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱۶.

سخنان خود نظام جمهوری اسلامی را ذاتاً اصلاح‌ناپذیر، فاسد و جنایتکار جلوه می‌دادند و خواهان انقلاب و براندازی آن می‌شدند و ما را نمایندگان این رژیم قلمداد می‌کردند که جهت تحکیم رژیم به‌انجا گسیل داشته شده بودیم. در مقابل شعارها و اهانتها، ابتدا ما سالن را ترک کردیم و نظر پلیس و مؤولین عدم برگزاری سمینار بود. اما ما گفتیم قرار است به‌زودی شخص دوم نظام به‌آلمان سفر کند و اگر اینها اکنون موفق شوند و نگذارند سمینار برگزار شود، با بسیج نیرو سفر آقای خاتمی را هم به‌هم خواهند زد. این سمینار آزمونی است برای طرفین و لذا ما باید با حضور خود و پاسخ دادن به‌اتهامهای مخالفان برانداز، مانع آن شویم که آنان در پیشبرد هدف خود، یعنی ممانعت از برگزاری سمینار، موفق شوند. از این‌رو به‌سالن بازگشتیم و برنامه با شعارهای تند آنان آغاز گشت. (چند روز پیش روزنامه رسالت در یادداشت سیاسی خود با تیتراژ «آیا خاتمی به‌آلمان خواهد رفت؟» نشان داد که در این مورد تردیدهایی دارد) در جمع پنج تن سخنران شب نخست، من آخرین سخنران بودم. اما فضایی که توسط آنان فراهم گردید، به‌هیچ‌وجه امکان ایراد سخنرانی اصلی را مهیا نمی‌کرد. لذا من فی‌البداهه به‌سخنان آنان پاسخ گفتم و تأکید کردم، دمکراسی محصول آدمیان دمکرات است و آنان که با خشونت مانع سخن گفتن دیگران می‌شوند، دمکرات نیستند و نمی‌توانند از برقراری دمکراسی دم بزنند.

گفتم رژیمها بر دو نوع‌اند: رژیمهای اصلاح‌ناپذیر و رژیمهای اصلاح‌پذیر. رژیمهای اصلاح‌ناپذیر را با انقلاب عوض می‌کنند، اما رژیمهای اصلاح‌پذیر، با انتخابات امکان تحول را فراهم می‌آورند. و تأکید کردم رژیم جمهوری اسلامی از نظر من رژیمی ذاتاً اصلاح‌پذیر است و شاهد آن سه انتخابات ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ و وجود مطبوعات متنوع، مستقل و آزاد در آن است. و گفتم تنها راه تحول در ایران پیشبرد پروژه اصلاحات در چارچوب قانون است و با انقلاب و شلیک خمپاره و ترور نمی‌توان دمکراسی ایجاد کرد. گفتم: خشونت‌طلبان داخلی حجابیان را ترور می‌کنند و براندازان خارج‌نشین همزمان به‌سوی ایران خمپاره شلیک می‌کنند. وقتی از من پرسیده شد، چرا کلیه ایرانیان خارج از کشور را خشونت‌طلب و خمپاره‌انداز قلمداد می‌کنی؟ گفتم: از نظر من اکثریت ایرانیان

خارج از کشور اصلاح طلب‌اند و خشونت و براندازی را نفی می‌کنند، اما یک گروه اقلیت انگشت‌شمار به‌ایران خمپاره شلیک می‌کند. دست به اقدامات تروریستی می‌زنند و رسماً با صدور اطلاعیه مسئولیت این اقدامات را به‌عهده می‌گیرد. وقتی در سخنان خود تأکید نهادم که با انقلاب نمی‌توان به‌دمکراسی دست یافت، منظور انقلاب علیه نظام جمهوری اسلامی بود. چرا که انقلابی در حال حاضر به‌کسی اطلاق می‌شود که می‌خواهد با انقلاب خشونت‌بار نظام را تغییر داده و رژیم دیگری را جایگزین آن نماید. ما به پرسشها و سخنان آنان پاسخ گفتیم و از اصلاحات دفاع کردیم و آنها موفق نشدند برنامه را به‌هم بزنند. در شب اول رقص و برهنگی روی نداد. آنان وقتی خود را شکست‌خورده یافتند، در روز دوم دست به این اقدامات زدند. بنده به علت بیماری شدید فقط در برنامه شب اول حضور داشتم و در کلیه برنامه‌های بعدی غایب بودم. ولی «سیما» با مونتاز فیلمها چنان نشان می‌دهد که گویی آن رقص و برهنگی در شب اول روی داد و ما نظاره‌گر آن بودیم. در حالی که این واقعه در روزهای بعد به‌وقوع پیوست و دوستان ما با اعتراض سمینار را ترک کردند. در ضمن ما به انتقادهای و اتهامات براندازان خارج‌نشین پاسخ گفتیم «سیمای» لاریجانی هیچ‌یک از آنها را پخش نکرد.

• چرا سیما این فیلم مونتازی را به‌نمایش گذارد؟

آقای لاریجانی قبلاً در ساخت چند برنامه شخصاً با سعید امامی همکاری مستقیم داشته است. اول برنامه «هویت» که آقای پورنجاتی رسماً اعلام کرد این برنامه کار سعید امامی بود. ولی در عین مخالفت آقای پورنجاتی فیلم از سیما پخش شد. دوم فیلم کارناوال شادی عصر عاشورا و استفاده از یک رقاصه برای خراب کردن آقای خاتمی. سوم ساختن برنامه «چراغ» برای نجات سعید امامی و انداختن کل مسئولیت به‌گردن پابینیه‌ها.

آقای لاریجانی با مونتاز فیلم جدید نشان داد که در همان مسیر گام برمی‌دارد. و الا یک سمینار علنی و شفاف را به‌طور کامل به‌نمایش می‌گذارند تا مردم خود قضاوت کنند. از سوی دیگر نباید فراموش کرد که برادر ایشان محمد جواد لاریجانی هم‌زمان و هماهنگ با فیلم عصر عاشورا به‌انگلیس رفت و به‌طور پنهانی با وزارت خارجه انگلیس به‌مذاکره خفت‌بار پرداخت. در سال ۱۳۷۵ هم‌زمان با

پروژه قتل عام درمانی سعید امامی، آقای علی لاریجانی یک استاد فلسفه علم را تهدید کرد که اگر به راه دکتر سروش بروی، با تو برخورد خواهیم کرد و مانع سفرت به خارج خواهیم شد. آن استاد زنده است و می‌توان او را در دادگاه حاضر کرد تا مسأله را برای مردم شرح دهد. چرا آقای علی لاریجانی مذاکرات خفت‌بار و پنهانی برادرش با مقامات انگلیسی جهت کمک به محافظه کاران در انتخابات ریاست جمهوری را افشا نمی‌کند؟ اگر علی لاریجانی راست می‌گوید و سخنان ما را خفت‌بار می‌داند، چرا متن کامل آن را پخش نمی‌کند تا مردم خود قضاوت کنند که آن سخنان به نفع نظام بوده یا به ضرر آنها؟

● آقای مرتضی نبوی در واکنش به سمینار برلین گفته است: «اکبر گنجی اصلاح طلب آمریکایی و اخراجی از سپاه است». در این رابطه چه نظری دارید؟

:: اگر اتهام بلا دلیل زدن مجاز باشد، من هم می‌گویم، آقای مرتضی نبوی عامل ... است. مگر اینان محمد جواد لاریجانی را جهت استمداد از انگلیس به لندن نفرستادند؟ مگر بزرگان جناح آنها مرتباً به لندن، حتی برای معالجه یک بیماری ساده سفر نمی‌کنند؟ چرا هیچ‌گاه گزارش سفرهای خود به لندن را به مردم ارائه نمی‌کنند؟ اما در خصوص اخراج از سپاه، این اتهام دروغ محض است. انتقال من از سپاه به وزارت ارشاد چهار سال (از ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸) به طول انجامید. تمامی نامه‌نگاریها و حکم انتقال رسمی در سپاه و وزارت ارشاد وجود دارد. هیچ‌گاه اتهام باند سید مهدی هاشمی را هم در سوابق خود نداشته‌ام. مشکل آقای نبوی و دوستان همفکرش آن است که شکست و از دست دادن قدرت بادآورده و ثروت بادآورده را تحمل نمی‌کنند. مردم در سالهای گذشته بارها به اینها گفته‌اند که شما و روشنیاتان را نمی‌خواهیم. ناکامان سیاسی با دروغ، شانتاژ و زیر پا نهادن اخلاق و توسل به خشونت می‌خواهند همچنان در قدرت باقی بمانند. بقیه مسائل بهانه است.

● احتمال بازداشت شما به دلیل شرکت در سمینار برلین بسیار شایع است. این مسأله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

:: دلیل اصلی بازداشت من اگر صورت بگیرد، پیگیری مسأله قتل‌های زنجیره‌ای است. هفته قبل از ترور آقای حجاریان رسماً به ایشان گفته شد، برای گنجی در رابطه با مسأله قتل‌های زنجیره‌ای پرونده ساخته و می‌خواهند او را ۷ سال زندان کنند. روز

قبل از ترور آقای حجار یان نیز در طی یک مذاکره رسمی به من گفته شد، اگر قتل‌های قبل یا دستگیری شاه کلید و عالیجنابان خاکستری را دنبال کنم، مرا برای سال‌های طولانی راهی زندان می‌کنند. اکنون نیز اکثر شکایاتی که از من شده به پرونده قتل‌ها مربوط است. بازندان کردن من هیچ مشکلی حل نخواهد شد. و من آماده‌ام تا هزینه سنگین پیگیری مسأله قتل‌های زنجیره‌ای را پرداخت نمایم. آنان که امروز محسن کدیور، عبدالله نوری و محمد شمس الواعظین، سعید حجار یان، عمادالدین باقی و گنجی را تحمل نمی‌کنند، فردا باید کسانی را تحمل کنند که تصورش نیز برای آنها امکان‌ناپذیر است. تحولاتی که اینک در بطن جامعه ما می‌گذرد، ساختاری است و ارتباطی به من و دیگران ندارد. بازندان کردن یا ترور نمی‌توان مطالبات واقعی مردم را درمان کرد. پروژه قتل عام درمانی سعید امامی به‌طور کامل شکست خورد و بازتولید آن تجربه نیز راه به‌جایی نخواهد برد. اینان می‌خواهند با زور مانع مردم سالاری شوند. اینان در مقابل مردم و اراده آنها ایستاده و به‌دروغ خود را اسلام‌خواه نشان می‌دهند. اما باید گفت، اسلام هیچ نسبتی با خشونت و حکومت استبدادی یک گروه کوچک تعامت‌خواه ندارد. به‌زندان رفتن یا ترور من توسط تروریست‌ها مطالبات مردم را کاهش نخواهد داد. دوام دولتمردان نظام جمهوری اسلامی وابسته به رأی و اعتماد مردم است. باید تغییر مسئولان از طریق انتخابات آزاد را پذیرفت و به مطالبات برحق مردم تن داد تا این نظام مستحکم به‌حیات خود ادامه دهد. از تاریخ بشریت باید درس گرفت و فهمید دوره سلطه از طریق ایجاد رعب و وحشت، زندان و ترور گذشته است. هیچ‌کس مجاز نیست خود را عین نظام بداند و کنار رفتن از قدرت از طریق انتخابات را، براندازی جلوه دهد. مردم سرنوشت و آینده خود را بهتر از آنها که بنده را ملحد و... می‌خوانند، تشخیص می‌دهند و در عمل نشان داده‌اند که کمتر از این آقایان اشتباه می‌کنند.

اکبر گنجی، روزنامه‌نگار شجاع و برجسته کشور راهی سلول انفرادی شد^۱

اکبر گنجی، روزنامه‌نگار و عضو شورای سردبیری روزنامه فتح دیروز پس از چهار ساعت بازجویی و تفهیم اتهام در خصوص ۱۵ فقره شکایت با حکم قرار بازداشت قاضی مرتضوی روانه زندان اوین شد.

گنجی علی رغم وضعیت نامساعد جسمانی و گواهی پزشکی با حکم قاضی مرتضوی به بند ۲۰۹ زندان اوین که با جای محدود تقریباً سلول انفرادی محسوب می شود، منتقل شد.

کلیه شکایات علیه گنجی مربوط به وزارت اطلاعات، ستاد مشترک سپاه پاسداران، روزنامه کیهان، حفاظت اطلاعات و معاونت اطلاعات نیروی انتظامی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر و ۱۳ تن از خانواده های شهدا که در خصوص کنفرانس برلین از گنجی شکایت کرده اند، است. قرار بازداشت اکبر گنجی سنگین ترین قرار صادر شده از سوی قاضی مرتضوی است.

گفته می شود تلاش مسؤولان قضایی بر این است که دادگاه اکبر گنجی را ظرف دو هفته آینده بدون حضور هیأت منصفه برگزار کرده و حکم پرونده او را مشخص کنند.

گفت و گویی کوتاه

اکبر گنجی گفت: اظهاراتم در کنفرانس برلین، علیه حزب کمونیست کارگری و منافقین بوده است و صدا و سیما اگر به دنبال حقایق است، باید متن کامل سخنرانی ام را پخش کند.

وی با دفاع از اظهاراتش در کنفرانس برلین، صدا و سیما را متهم ساخت که «اطلاعات دروغین» در اختیار مردم قرار داده است. وی وعده داد که «فیلم کامل کنفرانس برلین» به زودی از طریق شبکه مطبوعاتی در اختیار مردم قرار بگیرد. گنجی این اظهارات را دیروز به هنگام ورود به جلسه بازجویی در دادگاه مطبوعات با خبرنگاران مطرح کرد. وی گفت: من برای شرکت در هر مناظره ای آماده ام و متن کامل این فیلم مشخص می کند که چقدر آنان دروغ گفته اند.

ما می دانیم در کنفرانس برلین چه گفته ایم و مطمئن هستیم در این مورد چیزی عایدشان نخواهد شد. این تحولات ساختاری را هیچ فردی ایجاد نکرده که گروه و یا مرجعی بتواند جلوی آن را بگیرد. اصلاحات پیروز می شود و آینده خوبی در پیش است. تنها راه ما این است که به مطالبات مردم تن دهیم. خواسته های مردم بحق است و هیچ کس نمی تواند جلوی این خواسته ها بایستد.

می دانستم مقابله با اشباح تاریکخانه «بازی با مرگ» است^۱

• آقای گنجی اشما قبل از بازداشت آقای نوری، همچنین کرباسچی و کدیور با آنها گفت و گو کردند. فکر می کردید خود شما هم روزی در جای آن مصاحبه شونده ها قرار بگیرید؟

۱. من بالاتر از این چیزی که امروز گفته می شود، از اول حداقل چندین مرتبه تهدید شده بودم و می دانستم مقابله با اشباح حاضر در تاریکخانه، نوعی «بازی با مرگ» بود که من همیشه آمادگی آن را داشتم.

• فکر می کنید در قبال این هزینه ای که پرداختید، به آنچه می خواستید، رسیده اید؟

۲. اگر مجموع یادداشت هایی که من در این باره داشتم و در کتابهای تاریکخانه اشباح و عالیجناب سرخپوش و عالیجنابان خاکستری منتشر شده است نگاه بکنیم، من فکر می کنم بسیاری نکات را ما در این مدت گفته ایم و در این یادداشتها آمده که پرونده را به یک جای بازگشت ناپذیری رسانده که هیچ کس نمی تواند به سادگی آن را «ماست مالی» کند و مطمئن باشید هنوز کار من پایان نیافته و اگر زنده باشم، نکات بسیار دیگری در این رابطه دارم که آن را بر ملا کنم.

• اگر زنده نباشید چه؟

۳. اگر زنده هم نباشم، کسان دیگری آن را پیگیری می کنند. این طور نیست که اطلاعات این پرونده را فقط من بدانم. آن چیزی که من درباره پرونده قتلها می دانم، قطره ای است از دریا...

• می توانید بگویید این دریا کجاست؟

۴. این دریا پخش است و هر کسی قطره ای از آن دریا را دارد. ولی مطمئناً کسانی هستند که بخشهای وسیع تری از این دریا را در اختیار دارند که الآن از خیال محافظه کاران و عالیجنابان خاکستری به دور هستند و مطمئن باشند آنها بر ملا خواهند شد.

• آیا این درست است که افراد دارای اطلاعات وسیع از مسؤولان سابق سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی هستند؟

۱. گفت و گو با آفتاب امروز، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۱۳.

«مهم نیست آنها از کجا هستند، مهم این است که این گمان باطل را باید از خود دور کنند که با زندانی کردن بنده می‌توانند سر و سامانی به پرونده قتلها بدهند و آن پرونده را «ماست مالی» نکنند. اطلاعات این پرونده موجود است و قطعاً از طرف مطبوعات و از طرف آزادیخواهان پیگیری خواهد شد.

• شما در در روزنامه حضور فعالتری داشته‌اید (روزنامه‌های صبح امروز و خرداد) و برخی معتقدند فعالیتها و مقالات شما، باقی و... زمینه‌ساز بازداشت عبدالله نوری و ترور حجاریان بود. شما تا چه حد خود را در این میان سهیم می‌دانید؟

«به هر حال کاری را که دیگران می‌کنند، ما نباید بر عهده بگیریم. ما عبدالله نوری را زندانی نکردیم. سعید حجاریان را هم ترور نکردیم. این یک نکته بدیهی است. منتهی ببینید! در جهان سوم، هزینه فعالیت سیاسی بالا است. ما همان‌طور که لباس می‌خریم، غذا می‌خوریم و هزینه‌اش را می‌پردازیم، انجام فعالیت سیاسی هم هزینه دارد. کسانی که وارد این فعالیت سیاسی می‌شوند، آمادگی پرداخت هزینه‌های آن را هم دارند. در کشور ما وارد شدن به پرونده‌هایی نظیر پرونده قتلهای زنجیره‌ای، هزینه‌های سنگینی خواهد داشت و ما همیشه اعلام کرده‌ایم که آماده پرداخت این هزینه‌ها هستیم و هیچ نگران آن نیستیم که به زندان برویم.

من وقتی از سوی یکی از مسئولین مربوطه به صراحت تهدید شدم که اگر پرونده قتلها را پیگیری کنم، ۷ تا ۱۵ سال به زندان خواهم رفت، به ایشان گفتم شما همین الآن مرا روانه زندان بکنید و من هیچ مشکلی از این جهات نخواهم داشت. در اینجا یک نکته‌ای را باید عنوان بکنم و آن نکته این است که ممکن است در زندان برای من، مشکلاتی و حوادثی پیش بیاید. هر گونه حادثه‌ای که در زندان برای من اتفاق بیفتد، مسئولیت آن معطوف به نظام جمهوری اسلامی خواهد بود.

کسی که به زندان می‌رود، مسئولیت حفظ جان آن با نظام است و این‌طور نیست که الکی بیایند و بگویند «سکته کرده»، «واجبی خورده». این حرفها نیست. این روشها دیگر کهنه شده است. من به صراحت می‌گویم مسئولیت امنیت جان من در زندان با نظام جمهوری اسلامی است و هر حادثه‌ای برای من اتفاق بیفتد، با اینها خواهد بود. «مطمئن باشید بنده واجباً نخواهم خورد».

• اگر حادثه‌ای اتفاق نیفتد، برنامه شما در زندان چیست؟

۱. برنامه داخل زندان که یک روال طبیعی است. می‌نشینیم مطالعه می‌کنیم. خودمان را برای دفاع آماده می‌کنیم و این نکاتی را که در دفاع از خودمان باید بگوییم، آماده می‌کنیم تا بتوانیم آنها را در دادگاه ارائه کنیم.

• به نظر شما این دفاعیات ثمربخش خواهد بود؟

۲. من به سیستم قضایی فعلی هیچ امیدی ندارم.

نامه اکبر گنجی خطاب به صدا و سیما^۱

روابط عمومی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

با سلام، پیرو اطلاعیه آن روابط عمومی در خصوص اعلام آمادگی برای پخش کامل سخنان شرکت‌کنندگان در سمینار برلین و دعوت از سخنرانان و سؤال و جواب با آنها بدین وسیله آمادگی خود را جهت شرکت در میزگرد آزاد برای دفاع از حضور خود در سمینار مذکور [برلین] اعلام می‌دارد.

۱. خواهشمند است جهت تنویر افکار عمومی و روشن شدن حقیقت، متن کامل سخنان اینجانب به همراه پرسشهای حاضران و پاسخهای سخنران را به نمایش بگذارید تا واقعیت بر همگان روشن شود.

۲. اینجانب آمادگی خود را، پس از پخش سخنان سمینار برلین جهت حضور در میزگرد آزاد سیما و ذکر دلایل شرکت و دفاع از سخنان خود دارم.

برای مطالعه بیشتر

انتخاب

بهروز افخمی: کنفرانس برلین، درس عبرتی برای اکبر گنجی بود^۲

قاسم سلطانی: اگر شفاف‌سازی مواضع، اصل است، آقای گنجی! پرسشهای من را پاسخ دهید؟^۳

مشارکت

حمیدرضا جلایی‌پور: کیهان قصد تصفیه حساب با گنجی را دارد^۴

۱. بیان، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۹.

۲. بیان، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۹.

۳. بیان، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱۲.

۴. بیان، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۹.

اجتماعی اعتراض آمیز علیه وزارت ارشاد، کنفرانس برلین، اکبر گنجی و...^۱
گنجی بازداشت شد^۲

کیهان

گفت و گوی خفت بار برای نفی انقلاب و امام^۳
اکبر گنجی به خاطر شکایات مربوط به قبل از ماجرایی کنفرانس برلین روانه زندان شد.^۴
فرقی نکرده است.^۵

خبرنگار تاگس اشپیگل: آنچه چاپ شد، عین اظهارات گنجی است.^۶
معاون استاندار همدان اظهارات گنجی درباره امام خمینی را محکوم کرد.^۷
قند پارسی^۸

واکنش شخصیتهای سیاسی و محافل دانشجویی نسبت به اظهارات و قیحانه گنجی^۹
واکنش ذیلانگه گنجی در قبال توهین به حضرت امام^{۱۰}
اسرائیل، مریض بودن گنجی را تأیید کرد!^{۱۱}

اکبر گنجی سفارش پخش فیلم کنفرانس برلین را از تلویزیون داده بود.^{۱۲}

صبح امروز

اکبر گنجی: مطمئن باشید بنده داروی نظافت را نخواهم خورد!^{۱۳}
غلامعلی ریاحی: اکبر گنجی به لحاظ بیماری در اتاق جداگانه نگهداری می شود.^{۱۴}
گنجی از حق خواندن و نوشتن در زندان محروم است.^{۱۵}
گنجی آمادگی خود را برای دفاع از حضور در کنفرانس برلین اعلام کرد.^{۱۶}
تهدید گنجی^{۱۷}

رسالت

سردرگمی روزنامه های زنجیره ای در قبال متن مصاحبه ضد انقلابی گنجی^{۱۸}
شکایت جمعی از خانواده های شهدا از اکبر گنجی^{۱۹}
رادیو آمریکا و اکبر گنجی^{۲۰}

- | | |
|---------------------|---------------------|
| ۱. ۱۳۷۹/۲/۳۱، ص ۱۲. | ۲. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۹. |
| ۳. ۱۳۷۹/۱/۳۱، ص ۷. | ۴. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۱۵. |
| ۵. ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۲. | ۶. ۱۳۷۹/۱/۲۹، ص ۲. |
| ۷. ۱۳۷۹/۲/۸، ص ۱۱. | ۸. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۲. |
| ۹. ۱۳۷۹/۱/۲۵، ص ۱۴. | ۱۰. ۱۳۷۹/۱/۲۹، ص ۲. |
| ۱۱. ۱۳۷۹/۱/۳۰، ص ۲. | ۱۲. ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۳. |
| ۱۳. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۱۲. | ۱۴. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲۰. |
| ۱۵. ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۲. | ۱۶. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۲. |
| ۱۷. ۱۳۷۹/۱/۲۵، ص ۲. | ۱۸. ۱۳۷۹/۱/۲۹، ص ۴. |
| ۱۹. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۱۵. | ۲۰. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲. |

عصر آزادگان

اکبر گنجی روانه زندان شد.^۱

اعتراض شدید مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام به چاپ مصاحبه منسوب به گنجی در کیهان^۲ گنجی رفت. حکایت همچنان باقی است.^۳

عصر ما

از این گنجی تا آن گنجی^۴

آفتاب امروز

عباس عبدی: بازداشت گنجی مانع پیگیری پرونده قتل‌های زنجیره‌ای نخواهد شد.^۵
تهدیدات علیه اکبر گنجی گسترش یافت.^۶
اکبر گنجی تهدید به قتل شد.^۷

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در واکنش به بازداشت گنجی
گسترش فضای ناامنی در مطبوعات زیننده نظام اسلامی نیست.^۸

هم‌میهن

حضور گنجی در کنار مجرمان خطرناک موقتی است.^۹
گنجی در انفرادی^{۱۰}

اکبر گنجی بیماری ریوی ندارد.^{۱۱}

جوان

رضا صداقت: پاسخی بر اظهارات گنجی به آقای مصباح یزدی^{۱۲}

فتح

راه پرمخاطره اصلاحات، به بهانه بازداشت اکبر گنجی^{۱۳}

- | | |
|---------------------|---------------------|
| ۱. ۱۳۷۹/۲/۴. ص ۴. | ۲. ۱۳۷۹/۱/۳۰. ص ۱. |
| ۳. ۱۳۷۹/۲/۴. ص ۳. | ۴. ۱۳۷۹/۲/۱۴. ص ۵. |
| ۵. ۱۳۷۹/۲/۴. ص ۱. | ۶. ۱۳۷۹/۱/۲۵. ص ۲. |
| ۷. ۱۳۷۹/۱/۲۹. ص ۳. | ۸. ۱۳۷۹/۲/۵. ص ۳. |
| ۹. ۱۳۷۹/۲/۱۱. ص ۲. | ۱۰. ۱۳۷۹/۲/۱۷. ص ۱. |
| ۱۱. ۱۳۷۹/۲/۱۲. ص ۱. | ۱۲. ۱۳۷۹/۱/۲۹. ص ۱. |
| ۱۳. ۱۳۷۹/۲/۴. ص ۱. | |

برخلاف تبلیغات مخالفان دوم خرداد، سخنرانان و شرکت کنندگان ایرانی به اعتراض جلسه را ترک کردند^۱

جمیله کدیور

اشاره: خانم جمیله کدیور مصاحبه نسبتاً بلندی را پیرامون مسائل روز و از جمله کنفرانس برلین در ماهنامه زنان، شماره ۶۳ انجام داده است. برای آشنایی بیشتر با دیدگاه ایشان مراجعه شما به آن ماهنامه ضروری است.

دکتر جمیله کدیور نماینده منتخب مردم تهران در مجلس ششم و یکی از شرکت کنندگان کنفرانس برلین در مورد اقدام صدا و سیما به خبرنگار بیان گفت: برنامه دیشب و گزارشی که تلویزیون پخش کرد، گزینشی، جهت‌دار و با اهداف خاصی بود و بیانگر تمام برنامه‌های نشست پیرامون مسائل مختلف اعم از اقتصادی، محیط زیست، فرهنگی و هنری، سینمای بعد از دوم خرداد، مطبوعات، دموکراسی، ارزیابی انتقادی روابط ایران و آلمان و... نبود. برنامه‌هایی که دیشب پخش شد، صرفاً با هدف مشوه کردن افکار عمومی و هیجانی کردن جو جامعه بود. من قبول دارم که آن نشست جنبه‌ها و نقاط ضعفی داشت، منها جنبه‌های مثبت را تلویزیون پوشش نداد. شیوه پخش جنبه‌های منفی آن جلسه در تلویزیون آن هم در ماه محرم باعث اشاعه منکرات شده است. حادثه تلخی که در نشست محدود هزار نفری صورت گرفته و در این گستره ۶۰ میلیونی، مردم شاهد آن صحنه‌ها بودند. در حالی که در آنجا خیلی از مباحث دقیق تخصصی صورت گرفت و خیلی از دوستان ما از موضع قوت و اقتدار صحبت کردند و از این تریبون سعی کردند حداکثر استفاده را بکنند.

تلویزیون اهداف خاصی از پخش این اجلاس داشت و آن هم زیر سؤال بردن اصلاح‌طلبها و اصلاحات است. این سؤال را باید مطبوعات از تلویزیون بکنند که اگر صدا و سیما در صدد اطلاع‌رسانی است، چرا این اطلاع‌رسانی را ناقص و جهت‌دار انجام داد.

۱. بیان، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲.

وی در مورد واکنش جناح مخالف اصلاحات پس از انتخابات گفت: شکستی که جناح مقابل اصلاح طلبان در انتخابات خوردند، واکنشهای مختلفی را می‌شد پیش‌بینی کرد، منتها این‌که در این سطح بخواهند بی‌انصافی کنند، از گروهی که مدعی دفاع از ارزشهاست، شاید انسان انتظار نداشته باشد چنین ارزشهایی که در یک نشست محدود خدشه‌دار می‌شود را سعی کنند در تلویزیون با بُرد ۶۰ میلیونی پخش کنند. من فکر می‌کنم تلویزیون با برنامه دیشب در جهت تقدس‌زدایی عمل کرد و پخش شعارهایی مبنی بر نفی جمهوری اسلامی بزرگترین ضربه را به نظام زد.

وی در پاسخ به این سؤال که شنیده شد زمانی که افراد با رفتار زشت خودشان مثل رقص خواستند جلسه را به هم بزنند، برخی از شماها جلسه را ترک کردید، گفت: من در جلسه‌ای که آن خانم آن حرکتها را انجام داد، اصلاً حضور نداشتم و در جلسه بعد از ظهر چند دقیقه‌ای وارد جلسه شدم که آقای اشکوری و جلالی‌پور و یکی دو نفر دیگر بودند، زمانی که وارد شدم، دیدم دارند علیه جمهوری اسلامی شعار می‌دهند. در دم به اعتراض جلسه را ترک کردم و بعد از چند دقیقه دیدم بقیه هم خارج شدند و وقتی از آنها پرسیدم، گفتند به خاطر حرکت خلاف شانی که آن آقا انجام داد، هم سخنرانان و هم شرکت‌کنندگان ایرانی، به اعتراض جلسه را ترک کردند.

وی با اشاره به این‌که متأسفانه جو ایجاد شده علیه اصلاح‌طلبی و طرفداران اصلاحات است، گفت: در آن فضای سنگین شرکت‌کنندگان توانستند در دفاع از انقلاب و نظام صحبت کنند، ولی متأسفانه تلویزیون آن را پوشش نداد و جای سؤال است که صحبت‌های من و دیگران را پخش نکرد. در آن فضای سنگین واقعاً دفاع از انقلاب و نظام خیلی مردانگی می‌خواهد.

من متأسفم که امروز هم نمایندگان مجلس تحت تأثیر یک سری عوام‌زدگیهایی که مطبوعات سعی کردند آن را بزرگ کنند و بعد هم صدا و سیما آن را گسترش داد، بحث ارجاع مباحث آنجا به قوه قضائیه را مطرح کردند، بدون این‌که نظرات شرکت‌کنندگان را بررسی کنند و این‌که چه اتفاقاتی در آنجا افتاده است.

صدا و سیماگزینشی برخورد کرد^۱

از نظر من کنفرانس برلین تریبونی بود تا نظریات خود را در سطحی وسیع به گوش مردم دنیا برسانیم. متأسفانه عده‌ای می‌خواهند واقعیتها را به‌طور مطلق سیاه و یا سفید نشان دهند. در صورتی که واقعیت این کنفرانس واجد هر دو جنبه بود. شرکت کنندگان این کنفرانس سعی کردند، روند بیست سال انقلاب و بویژه تحولات پس از دوم خرداد را به گوش دنیا برسانند و نگرش غرب را نسبت به ایران تصحیح کنند.

به نظر من یک همسویی در جهت تخریب شرکت کنندگان در برخی محافل داخلی مورد توجه قرار گرفته و متأسفانه فیلم پخش شده توسط صدا و سیما از این کنفرانس گزینشی بود. اگر می‌خواستند از این کنفرانس اطلاع‌رسانی واقعی انجام دهند، باید همه فیلم را نشان می‌دادند. در داخل نباید به‌طور مطلق خوب یا بد به این کنفرانس توجه شود.

این کنفرانس توانست مخالفان نظام را نزد افکار عمومی جهان به شکست بکشانند.

پاسخ جمیله کدیور به روزنامه کیهان^۲

اشاره: کدیور در نامه‌ای به حسین شریعتمداری، مدیر مسئول کیهان نکاتی را در مورد مسائل کنفرانس برلین مطرح کرد. متن نامه جمیله کدیور به این شرح است:

مدیر مسئول محترم روزنامه کیهان

با سلام، به دنبال موج سنگین تبلیغاتی که طی یک هفته اخیر علیه شرکت کنندگان در کنفرانس برلین توسط رسانه‌های همسو صورت گرفته، هرچند در صدد پاسخگویی به اظهارات و نوشته‌های جریده جنابعالی نبودم و تصور می‌کردم این موج نیز همچون امواج دیگر گذراست، ولی به دلیل استمرار روند حملات و احتمال این که سکوت به معنی صحه گذاشتن به مندرجات آن نشریه

۱. آریه، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱۰.

۲. آفتاب امروز، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۲.

است. بر خود لازم دیدم به چند نکته از مطالب مطروحه که به صورت مستقیم و غیر مستقیم به اینجانب اشاره داشت، بپردازم:

۱. اینجانب بجز حضور در جلسه روز سوم کنفرانس که مربوط به سخنرانی خودم پیرامون «روابط ایران و آلمان» بود و با تمهیدات مسؤولین برگزارکننده در شرایطی آرام (به استثنای چند دقیقه سوت و فریاد یکی از مخالفین که با تلاش نیروهای امنیتی آلمان از جلسه خارج شد) انجام گردید، صرفاً چند دقیقه در جلسه بعد از ظهر روز دوم حضور داشتم که با شنیدن شعارهایی علیه جمهوری اسلامی ایران جلسه را به اعتراض ترک کردم و اعتراض خود را به اطلاع گردانندگان جلسه نیز رساندم.

از آنجا که در روزنامه روز سه شنبه ۲۳ فروردین کیهان در ستون «کیهان و خوانندگان» از قول یکی از خوانندگان، عدم اعتراض اینجانب نسبت به برهنگی و رقص یک خانم اشاره شده بود، لازم می دانم این نکته را توضیح دهم که اصولاً من در آن جلسه حضور نداشتم که بخواهم از آن جلسه خارج گردم. در جلسه بعد از ظهر نیز که حادثه تلخ و زشت دیگری صورت گرفت، اینجانب قبل از آن حادثه و به دنبال شعارها از جلسه خارج شده بودم.

۲. در روزنامه روز پنجشنبه، اول اردیبهشت در صفحه ۱۴ در مقاله‌ای به قلم آقای محمد طاهایی تحت عنوان «همه فیلم را پخش کنید»، خانمی که به تصور نویسنده محترم ندیده اینجانب فرض شده بود، دختر بزرگم بود که به همراه فرزند کوچکم در جلسه به همراه مادرشان حضور یافته بودند. اتفاقاً نظر اینجانب هم همچون نویسنده محترم این است که تلویزیون تمام فیلم از جمله جلسات روز سوم کنفرانس را پخش کند.

خوشبختانه اینجانب از چنان موضع اقتداری از نظام و مسؤولین و انقلاب در آن فضای سنگین سخن گفتم هیچ خدشه‌ای حتی به یک کلمه از اظهارات اینجانب وارد نیست. به همین دلیل نیز تلویزیون جمهوری اسلامی که در صدد نشان دادن تصویری سیاه از کنفرانس برلین بود، به اظهارات افرادی همانند اینجانب که از موضع عزت و اقتدار از نظام دفاع کردیم، هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. حتی به قدر چند لحظه و صرفاً با به تصویر کشاندن صحنه‌های مبتذل از کنفرانس در جهت تحلیل خود بسنده می‌کند.

۳. علی رغم نقاط ضعف و منفی که به کنفرانس برمی گردد، تصور می کنم مهمترین دستاورد این کنفرانس که مورد بی توجهی قرار گرفته و می گیرد، روشن شدن مرز میان اصلاح طلبانی که قائل به اصلاحات درون نظام و در چارچوب قانون اساسی و به عنوان حرکتی در استمرار شعارها و اهداف انقلاب باشکوه اسلامی هستند و تجدید نظر طلبان داخل و خارج نشینی که هیچ اعتقادی به اصلاحات ندارند و فقط به بهره گیری از واژه مقدس اصلاحات از آن سوء استفاده می کنند، بود. ضمن آنکه این جلسه به افشای چهره مخالفین بی منطق نظام جمهوری اسلامی در عرصه افکار عمومی جهان خصوصاً آلمان بسیار مؤثر بود.

برای اینجانب قابل تصور نبود که هم در خارج توسط طیفی اقلیت به خاطر دفاع از نظام و انقلاب مورد چالش قرار گیرم و هم در داخل این چنین توسط غوغا سالاران (ماکیاولیست) مورد بی حرمتی.

باتشکر - جمیله کدیور ۱۳۷۹/۲/۳

در نامه ای خطاب به صدا و سیما

آقای لاریجانی! فیلم سخنرانی مرا کامل پخش کنید^۱

جمیله کدیور با ارسال نامه ای خطاب به علی لاریجانی خواستار پخش کامل فیلم سخنرانی خود در کنفرانس برلین شد. در این نامه آمده است:

جناب آقای دکتر علی لاریجانی

ریاست محترم سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

با سلام و احترام، افتخار پخش فیلم گزیده ای از کنفرانس برلین که با جهت گیری ویژه ای تنظیم شده بود، به نام جنابعالی و همکارانتان ثبت شد. در آن گزیده و نیز گزارشهایی که در طی چند روز اخیر از صدا و سیما پخش شد، شرکت کنندگان در کنفرانس برلین به انواع اتهامات و اوصاف ناپسند متهم شدند. حتماً در سال امیر مؤمنان علی (ع) همه این قضایا و تبلیغات سوء و اطلاع رسانی ناقص و هدفدار، جلوه ای از عدالت و انصاف به روایت جنابعالی و

۱. آفتاب امروز، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۱.

همفکران آن است. اینجانب به عنوان یکی از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، انتظار دارم تلویزیون به جای انتشار اطلاعاتی مبنی بر فراهم کردن امکان دفاع از کنفرانس - که نوعی شیطنیت در متن آن نهفته - به پخش سخنرانی کسانی که از موضع عزت و اقتدار از نظام و انقلاب دفاع کردند، بپردازد. امیدوارم با پخش سخنرانی اینجانب از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران که قرار بود در دانشگاه باشد، حداقل انصاف خود را در زمینه اطلاع رسانی به ملت بزرگوار ایران نشان دهید. اینجانب به داوری مردم عزیزمان اعتقاد و اعتماد دارم.

از لاریجانی شکایت خواهم کرد^۱

جمیله کدیور از سخنرانان کنفرانس برلین درباره عملکرد صدا و سیما گفت: این فیلم جهت دار و گزینشی بود و بیان کننده واقعیت نبود و در حقیقت نیمه خالی لیوان را منعکس می کرد. از یک منظر به نظر می آید این فیلم در صدد نشان دادن این بود که اصلاح طلبان در صدد پیاده کردن آن چیزی هستند که در این صحنه های خلاف اخلاق می دیدیم. در حالی که به نظر من این کنفرانس مرز اصلاح طلبان واقعی را که در تلاش برای عملی ساختن اصلاحات در درون نظام و در چارچوب قانون اساسی و به عنوان ادامه منطقی انقلاب بر می شمردند، با تجدید نظر طلبانی که از عنوان اصلاحات در جهت اهداف خاص خود بهره برداری می کنند، روشن کرد. این برنامه صرفاً گوشه هایی کوچک از اجلاس را مورد پوشش قرار می داد و بی توجه به ساعتها بحث در مورد مسائل مختلف اعم از اقتصادی و محیط زیست، مسائل زنان، جوانان، فرهنگی و سیاسی، تصویری سیاه از اجلاس برلین و شرکت کنندگان این اجلاس ارائه داد و متأسفانه در ماه دفاع از ارزشها با پخش یک منکر به اشاعه منکر در گستره ای ۶۰ میلیونی پرداخت که به هیچ وجه این امر قابل توجیه نیست. اطلاعاتی اخیر سیما در توضیح این قضیه نیز بسیار کودکانه بود.

جمیله کدیور در پاسخ به این پرسش که آیا از مدیریت صدا و سیما شکایت خواهید کرد، گفت: از آنجایی که صحبت های من در جهت نظام و دفاع از ارزشها و انقلاب بود و معتقدم کار سیما و بعضی از نشریات و صحبت هایی که از تریبون های

نماز جمعه پخش شد و احساسات مردم را برانگیخت، دامنگیر همه شد و سیما مدافعین از ارزشها و نظام را از کسانی که شاید در صحبتهایشان انتقادی وجود داشت، جدا نکرد، قصد دارم اعاده حیثیت کنم.

اگر چند خواسته من عملی نشود، از شخص ریاست صدا و سیما شکایت خواهم کرد. سیما باید سخنرانی کامل مرا پخش کند و بعد خروج معترضان را بعد از این که شعارهایی علیه نظام داده شد، نشان دهد و همچنین ترتیباتی داده شود تا گفت و گوی زنده‌ای داشته باشند با مدعوین کنفرانس تا اطلاع رسانی دقیقی که شعار می‌دهند، کاملاً انجام شود. چون روند تبلیغات سوء توهین به همه بود و باید اعاده حیثیت شود.

کدیور در خصوص اعلام آمادگی سیما برای پخش کامل کنفرانس و صحبتهای مدعوین گفت: اگر متن کامل صحبتها و خروج معترضان را پخش کنند و در این خصوص به صداقت سیما شک نکنم، این جلسه و برنامه را می‌پذیرم. تلویزیون نشان داده که نمی‌توان به آن اعتمادی داشت.

جمیله کدیور با قرار وثیقه آزاد شد^۱

جمیله کدیور پس از پانزده ساعت بازجویی در دو مرحله در دادگاه انقلاب، با قرار ده میلیون تومان وثیقه آزاد شد.

وی شامگاه چهارشنبه به خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: امروز از ساعت ۹ صبح تا ۱۵:۱۸ بازجویی و سپس تفهیم اتهام شدم.

این دومین جلسه بازجویی کدیور بود. وی روز دوشنبه نیز از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۵ بازجویی شد. خانم کدیور اتهام خود را «اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ عملی علیه نظام به خاطر حضور در کنفرانس برلین» بیان کرد و افزود: من به این موضوع اعتراض کردم و موارد اتهامی را نپذیرفتم، بلکه به قاضی گفتم باید مصادیق اقدام علیه امنیت ملی را توضیح دهد، مدارک و ادله خود را برشمرد.

از قاضی سؤال کردم: آیا تبلیغ و دفاع از نظام به معنای اقدام عملی علیه نظام محسوب می‌شود؟ اگر حضور در برخی کنفرانسها به دعوت برخی از احزاب و

۱. بیان، ۱۳۷۹/۲/۱۵، ص ۲.

بنیادها ممنوع است و جرم محسوب می‌شود، باید نهادهای مربوطه آن را اعلام کنند تا کسانی که در صدد شرکت در آن جلسات هستند، آن را بدانند.

وی با اشاره به این که وزارتخانه‌های اطلاعات و امور خارجه از برگزاری این کنفرانس مطلع بودند، گفت: هیچ‌کدام از این دو وزارتخانه مسأله‌ای را درباره ممنوعیت شرکت کنفرانس مزبور نگفتند.

خانم کدیور به انتقاد برخی رسانه‌های داخلی و شخصیت‌های سیاسی از کنفرانس برلین و حزب سبز و بنیاد هاینریش بل اشاره کرد و گفت: اگر اینها مسأله‌دار بودند، چرا قبلاً نگفتند. اگر آنها خبر داشتند، می‌توانستند مطرح کنند و مانع سفر جمع ما شوند و از اقدام مخفی امنیت جلوگیری کنند. حال که چنین نکردند، پس آنها هم شریک جرم هستند.

اسلام اصلاح طلب و جامعه مدرن^۱

حسن یوسفی اشکوری

اشاره: آنچه می‌خوانید متن نوشته‌شده و کامل سخنرانی آقای حسن یوسفی اشکوری در همایش «ایران پس از انتخابات مجلس» در شهر برلین آلمان است که بخش مهمی از آن به دلیل اخلاص‌گری مخالفین همایش در جلسه خوانده نشد.

به نام خدا، در آغاز لازم است اشارتی بکنم به جامعه مدرن. هرچند جامعه مدرن علی‌القاعده در استمرار تاریخی جامعه سنتی و کهن پدید آمده و لذا مرحله تکامل یافته‌تر است. اما حداقل در حوزه‌هایی جامعه مدرن در تعارض با عصر ماقبل مدرن نیز قرار دارد. شاید در یک تقسیم‌بندی کلان بتوان تاریخ بشر را به دو دوره «سنت» و «مدرن» تقسیم کرد.

در جهان کهن نوعی تفسیر از «عالم» و «آدم» چیرگی داشت و در جهان جدید نوعی دیگر غلبه پیدا کرد. با برشمردن مؤلفه‌های مدرنیته و جهان مدرن، می‌توان تا حدودی تفاوتها و در پاره‌ای موارد تعارض کلی دو جهان را دریافت. مهمترین مؤلفه‌های مدرنیته عبارتند از:

۱. به نقل از سایت اینترنتی ایران امروز، فروردین ۱۳۷۹.

۱. اومانیزم به معنای انسان‌محوری و نشان دادن آدمی در متن طبیعت، تاریخ و

جامعه

۲. اعتقاد به خلقت مساوی آدمیان در انسانیت

۳. اعتقاد به حقوق طبیعی و مساوی همه آدمیان (انسان منهای عقیده)

۴. آزادیهای فردی و اجتماعی در قلمرو زیست مدنی

۵. تفکیک دین و دولت

۶. عقلانیت انتقادی و البته غالباً ابزاری

در این میان شاید رویکرد انتقادی و تحولی و انقلابی به انسان، جامعه و تاریخ و اعتقاد راسخ به اصل اساسی «تغییر»، مهمترین مؤلفه جهان مدرن باشد. شاید این سخن مارکس که «فلسفه تاکنون در مقام تفسیر جهان بود، ولی پس از این، باید در اندیشه تغییر جهان باشد»، درونمایه اصلی مدرنیته باشد. سخن معروف کانت که «جرأت دانستن داشته باش» نیز به گونه‌ای دیگر معرف روح جهان جدید، است. جامعه مدنی غربی نیز محصول این اندیشه و روند انقلابی است که در برابر انواع جامعه‌ها و نظامهای سنتی و یا جدید اما ناسازگار با دموکراسی (مانند نظام قبایلی، استبدادی، پدرسالاری، نژادسالاری و یا پوپولیستی) قرار دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ به نوعی محصول تحولات انسانی و اجتماعی غرب جدید است.

اما شاید متعالی‌ترین مفهوم جامعه مدنی، تأثیر نهادهای مستقل مردمی باشد که به عنوان حایل بین شهروند و دولت است و از حقوق شهروندان در برابر هر نوع تجاوز احتمالی ارباب قدرت و نخبگان دفاع می‌کند.

و اما اسلام. چه رابطه‌ای بین اندیشه و شریعت اسلامی با مدرنیته و عصر جدید وجود دارد؟ آیا اسلام به عنوان دین متعلق به عصر ماقبل مدرن یکسره با مدرنیته و مبانی نظری یا لوازم عملی آن مخالف است یا موافق یا موافق مشروط یا...؟

برای ورود به عرصه پاسخ به این پرسش لازم است، ابتدا به تاریخچه جنبش اسلامی معاصر اشارتی بشود. جنبش جدید اسلامی در حدود ۱۵۰ سال قبل در ارتباط با آشنایی مسلمانان با تمدن و تحولات جدید مغرب‌زمین پدید آمد. مسلمانان که روزگاری پیشرفته‌ترین تمدن و فرهنگ را در شرق خلق کرده بودند،

در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی ناگهان خود را با دو چهره متفاوت اروپا روبرو دیدند، یکی چهره علم و تمدن و فرهنگ پیشرفته و دیگر سلطه و استعمار. و خود را در برابر هر دو ناتوان دیدند. این پرسش مطرح شد که راز عقب ماندگی مسلمانان و پیشرفت غربیان در چیست؟ و اکنون چه باید کرد؟ و چگونه می توان ضعف را به قدرت تبدیل کرد؟ حال پس از یک قرن، سه نوع رویکرد اسلامی به مثابه سه نوع پاسخ به مشکل اساسی عقب ماندگی یا به عبارتی به مسأله مهم نوع رابطه با غرب جدید قابل شناسایی و تشخیص است: اسلام سنتی، اسلام بنیادگرا و اسلام نوگرا یا اصلاح طلب.

مسلمانان سنتی، که غیر سیاسی اند و از اسلام و میراث پیشینیان بدون رویکرد انتقادی پیروی می کنند، با بسیاری از دستاوردهای مدرنیته مخالفند و چندان اعتقادی هم به سازگاری اسلام و تحولات جدید ندارند و تلاش جدی نیز برای ایجاد سازگاری نمی کنند، اما در عین حال به زندگی مسالمت آمیز در کنار دستاوردهای جهان ادامه می دهند. شاید بدان امید که روزگاری جهان مدرن به حقیقت دین و معنویت از دست رفته بازگردد. مسلمانان بنیادگرا که از جهاتی سنتی اند، اما اسلامشان اسلامی سیاسی و مجاهد است، دستاوردهای جهان مدرن را یا از اساس ضد دین می دانند یا مدرنیته را چندان مشکل می شمارند که به سادگی قابل اصلاح نیست و در مقابل بر «حقانیت» و «جامعیت» و «کمال» دین اسلام تکیه می کنند و با احساس شدید نوستالژی مذهبی، می خواهند با احیای اسلام سیاسی «از طریق احیای خلافت اسلامی» جهاد بر ضد غرب و تمامی کافران، اقتدار را مشابه عصر خلفای اموی و عباسی و اوایل عصر عثمانی پدید آورند. برای اینان قدرت سیاسی و نظامی گری یک اصل اساسی است، چرا که قادر است انحطاط و عقب ماندگی و ناتوانی را جبران کند.

اما مسلمانان نوگرا در عین استقبال از تحولات جهان مدرن، نه سنت و معارف اسلامی کهن را کاملاً قابل پیروی می دانند و نه تسلیم مطلق مدرنیته اند. در واقع هر دو میراث را به نقد و چالش می خوانند و خواهان توسعه و تکامل جهات مثبت و تجدید شوندۀ هر دو هستند. اینان عقل گرایی اند که از یک سو در ادامه منطقی سنت فکری-کلامی معتزله و شیعه و سنت فلسفی فیلسوفانی چون فارابی و حتی

ملاصدرای شیرازی کنش عقلی دارند و از سوی دیگر بیش از هر چیز از سنت اندیشه انتقادی و رویکرد انقلابی و تحولی دنیای مدرن اثر پذیرفته و با این دو سرمایه به نقد و تحلیل و پالایش سنت و مدرنیته می‌روند. این جریان هم با سنت گراها مرزبندی جدی دارد و هم با بنیادگراها اصلاحات را هم در عرصه اندیشه دنبال می‌کند و هم در میدان عملی و نوسازی نهادهای اجتماعی و دینی را پی می‌گیرد. متفکران این جریان به‌طور اساسی بازاندیشی و تواندیشی در حوزه اندیشه اسلامی را بر هر نوع مدرنیسم و دگرگونی اجتماعی و سیاسی مقدم می‌دارند و در واقع اصلاحات اجتماعی و بهسازی نهادها را از طریق نوسازی اندیشه دینی ممکن و مفید می‌شمارند. به هر حال می‌توان گفت، نوگرایان و مصلحان نواندیش مسلمان در همه جای جهان اسلام پروژه اصلاح طلبی خود را در پنج مرحله پی می‌گیرند:

۱. نقد سنت و تصفیه و استخراج منابع فرهنگی اسلام

۲. نقد مدرنیته

۳. استخراج و اقتباس اصول یا عناصر مثبت و کارآمد سنت و مدرنیته

۴. تلفیق و ترکیب این عناصر قابل اقتباس

۵. طراحی نوعی مدرنیته بومی (شرقی-اسلامی)

متفکرانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی (مشهور به افغانی)، محمد عبده مصری و محمد اقبال لاهوری از پیشگامان اصلاح طلبی اسلامی سده اخیرند. اکنون مقالات مفصلی در دایرةالمعارفهای مربوط به جهان اسلام ذیل مدخل «اصلاح» وجود دارد که تحولات اصلاح طلبانه در مصر، هند، پاکستان، ترکیه، ایران، خاورمیانه عربی و اندیشه‌های نظریه پردازان این جنبش در آنها بیان شده است.

و اما سرنوشت و سرگذشت اصلاح طلبی دینی در ایران نیز از سرگذشت آن در جهان اسلام جدا نیست. پس از جنبش مشروطیت در ایران به سال ۱۲۸۵ (۱۹۰۵) توجه بیشتری به تحول در مبانی فکر دینی صورت گرفت و کسانی چون میرزا محمد حسین نائینی، از مجتهدان مشروطه خواه و اصلاح طلب نجف، با تألیف کتاب مهم تنبیه الامة کوشش علمی و فقهی قابل توجهی در جهت اصلاح اندیشه دینی و تحقق اصلاحات اجتماعی انجام داد. اما مصلحان دینی جدی و مهم پس از

جنگ جهانی (پس از ۱۹۴۵) پدید آمدند. سرچشمه معرفتی جریان اسلام طلب در خارج از حوزه های علمی سنتی دینی بود و عمدتاً در دانشگاه متمرکز بود. اما از همان آغاز شماری از عالمان و روحانیان مستعدتر را تحت تأثیر قرار داد و آنان نیز در مقاطعی، از اصلاحات دینی یا اجتماعی حمایت کردند. پس از ۱۳۲۵ روشنفکرانی چون مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سبحانی و دکتر محمد نخشب و مجتهدی روشنفکر چون آیت الله سید محمود طالقانی یک انقلاب فکری در حوزه دین و جامعه را آغاز کردند و با طرح اسلام اجتماعی و اصلاح طلب و جهادگر بر ضد استبداد و استعمار و هر نوع خرافات منسوب به دین و باورهای ضد عقلی، منشأ تحولات مهم اصلاح طلبانه دینی در ایران شدند. در طی چهار دهه بعد، دانشگاهها و بخشی از طلاب جوان حوزه های دینی قم و تهران و جاهای دیگر مخاطبان اصلی این حرکت شدند، و پیام آن را تا اعماق شهرها و روستاها نیز بردند. بویژه ظهور روشنفکر نامدار مسلمان دکتر علی شریعتی و نیز کوششهای علمی و فکری عالم برجسته دینی آیت الله مرتضی مطهری در حوزه اندیشه سنتی اسلام و شیعه در این دوران نقش مهمی در گسترش پروژه اصلاحات دین در سالیان اخیر ایفا کرد. روند پرشتاب این تحولات جدید اسلامی، به انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) منجر شد. اگر به شعارها و آرمانهای مطرح شده در انقلاب اسلامی توجه کنیم، بروشنی می بینیم که تمامی آنها برخاسته از اسلام نوگرا و بازسازی شده و اصلاح طلب مدرن بود که سابقه ای در حوزه علمی و فقهی سنتی نداشت. آزادی، استقلال، دموکراسی، عدالت، توسعه، حقوق بشر و جامعه مدنی از مهمترین وعده های اسلام اصلاح طلب بود که اعلام شد و بخش عمده آنها نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس شد.

با توجه به نکات بالا روشن می شود که اسلام اصلاح طلب پدیده تازه ای نیست، که در طول یک قرن گاه به صورت رادیکال و انقلابی عمل کرده و گاه در شرایط متفاوت به صورت مالت جو و آرام آرمانهای خود را دنبال کرده است. اصولاً اسلام بویژه تشیع در ذات و حقیقت اولیه خود اصلاح طلب به معنای جامع آن هستند.

از این رو در قرآن به پیامبران «مصلح» گفته شده (از جمله در سوره های اعراف،